نگاه

حق متهم بر محاکمه منصفانه در اسناد بین‌المللی

سیدعلی حسینی*

اسناد بین‌المللی بسیاری حق بر محاکمه منصفانه را مورد تاکید قرار داده است و دولت‌ها متعهد به تضمین آن برای متهمین شده‌اند و در راس همه این اسناد اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد که هر چند به دلیل شکل قطعنامه‌ای بودن آن لازم‌الاجرا نیست، اما به دلیل پذیرش عام مفاد آن در مجموع و پذیرش خاص مفهوم حق مذکور در معاهدات و رویه قضایی بین‌المللی بعدی به صورت قاعده‌ای عرفی در این مورد درآمده و لازم‌الاجرا شناخته می‌شود. به علاوه این سند نسبت به سایر اسناد حقوق بشری در حکم سند مادر است.

اعلامیه در مورد حق دسترسی به محاکمه منصفانه و دادگاه صالح در ماده ۱۰ می‌گوید: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، به طور منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او وارد شده باشد، اتخاذ تصمیم نماید.» هر چند قسمت اول این ماده شامل دعاوی حقوقی نیز می‌شود، لیکن در ادامه آن بر حق متهم مبنی بر رسیدگی به اتهام کیفری وی در دادگاه مستقل و بی‌طرف و به گونه‌ای منصفانه تاکید شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر تنها به کلیات این حق بشری متهمین پرداخته است، اما اسناد بین‌المللی دیگر به این حق با وضوح بیشتر و به گونه‌ای مفصل‌تر اشاره دارد، بند اول ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی در این مورد مقرر می‌دارد: «همه در برابر دادگاه‌ها مساوی‌اند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل، بی‌طرف و تشکیل شده توسط قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او را در امور مدنی اتخاذ تصمیم نماید.» در بند دوم این ماده به فرض برائت تا زمان اثبات جرم اشاره شده است و در بند سوم آن می‌خوانیم: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود با تساوی کامل، حداقل حق تضمینات زیر را خواهد داشت:

الف- در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع شود.

ب- وقت و تسهیلاتی کافی برای آمادگی دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج- بدون تاخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود.

د- در دادگاه حاضر شده و خود یا به وسیله وکیل منتخب از خودش دفاع نماید و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به وی اطلاع داده شود و...

ه- از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، سئوال کرده و یا بخواهد که از آنها سئوال شود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوال شود.

و- اگر زبانی را که در دادگاه به کار می‌رود، نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن سخن گوید، یک مترجم به طور رایگان در اختیار وی قرار گیرد.

ز- مجبور به شهادت علیه خود و یا اعتراف به مجرم بودن خود نشود.

بند سه ماده ششم کنوانسیون اروپایی تحت عنوان «حق بر محاکمه منصفانه» چنین مقرر می‌دارد:

هر متهم به جرائم کیفری دارای حقوق حداقلی زیر است:

الف- در کوتاه‌ترین زمان به زبانی قابل فهم برای وی و به تفصیل، از نوع و علت اتهام وارد بر خود آگاه گردد.

ب- از فرصت و تسهیلات کافی جهت تمهید دفاع از خود بهره‌مند گردد.

ج- شخصاً خود یا با همکاری وکیل مدافع منتخب، از خود دفاع نماید و یا چنانچه تمکن لازم برای برخورداری از وکیل را ندارد، در صورتی که اصول عدالت اقتضا نماید، بتواند به طور رایگان از وکیل بهره‌مند شود.

د- شهودی را که علیه او شهادت داده‌اند، مورد پرسش قرار دهد و یا بخواهد که آنها مورد پرسش واقع شوند و (حق) حضور و پرسش از شهود له را تحت همان شرایط حضور و پرسش از شهود مخالف وی به دست آورد.

ه- چنانچه متوجه زبان مورد استفاده در دادگاه را نشود یا قادر به تکلم به آن نباشد، از کمک مترجم به طور رایگان بهره‌مند گردد.

در کنار معاهدات حقوق بشری مذکور که دولت‌ها را ملتزم به تضمین حق محاکمه منصفانه می‌دانند، تعدادی اسناد غیرمعاهداتی حقوق بشر نیز در این رابطه وجود دارد که از اعلامیه جهانی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر به عنوان دو نمونه شناخته شده از آنها نام برده شد.

با وجود اینکه این اسناد لازم‌الاجرا نیستند، اما از آن جهت که این اسناد حاصل مذاکرات و قبول نمایندگان دولت‌ها و ارکان سیاسی سازمان‌های بین‌المللی است دارای قدرت تشویقی بوده و به دلیل همین قدرت سیاسی، اغلب دولت‌ها را متعهد می‌سازد؛ به علاوه بر اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عرفی تاکید می‌کنند. با توجه به همین نکته می‌توان گفت حق محاکمه منصفانه، نه تنها کشورهای عضو معاهدات مذکور را ملتزم می‌سازد، بلکه از آنجا که به صورت قاعده‌ای عرفی درآمده است، از سوی هیچ دولتی قابل نقض نیست. همچنان که در اثبات عرفی بودن آن می‌توان به قوانین اساسی دولت‌ها اشاره کرد که این حق را به رسمیت شناخته‌اند. به ویژه اگر جنبه‌های مهم این حق، مانند اصل برائت، دسترسی به دادگاه صالح، علنی بودن دادگاه، بی‌طرفی قاضی و سایر تضمیناتی که محاکمه بی‌طرفانه و منصفانه را برای متهم ممکن می‌سازد، بررسی شوند، عرفی بودن آن به راحتی قابل اثبات است.

*دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل
دانشگاه علامه طباطبایی

با تاکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

استانداردهای حق دفاع

محمدحسین ضیایی‌فر
دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی

امروزه یکی از مهمترین اجزای فنی حق دفاع متهم و تضمین‌های دادرسی عادلانه در موازین بین‌المللی حقوق بشر، حق بر بهره‌مندی از وکیل یا مشاور حقوقی است. حق مزبور در تمام فرآیند قضایی مورد احترام است ولی به علل مختلف یکی از مهمترین مراحلی که در فرآیند قضایی شناسایی و اجرای حق مزبور اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند، مرحله تحقیقات مقدماتی است که سنگ بناهای اولیه پرونده اتهامی گذاشته می‌شود. با این وجود و به‌رغم اهمیت فوق‌العاده مرحله مزبور، بهره‌مندی از حق وکیل در تحقیقات مقدماتی نظام‌های حقوقی داخلی کشورها از سابقه طولانی برخوردار نیست در نوشتار حاضر به نحو فشرده سعی می‌شود مروری بر موازین بین‌المللی مربوطه انجام پذیرد تا روشن شود در هنجارهای جهانشمول، مفهوم حق بر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی چیست؟ اقتضائات حق یاد شده چه مواردی هستند؟ آیا استثنائات و محدودیت‌های قابل قبولی بر حق مزبور وارد شده است یا خیر؟ در صورت عدم رعایت حق بر وکیل چه آثاری متوجه متهم یا مرجع قضایی و یا کل حکومت می‌شود؟ و در نهایت آخرین تحولات در قواعد بین‌المللی و رویه‌های مربوطه خصوصاً در سطح دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای قضایی فراملی مرتبط با استانداردهای حقوق بشر چه مواردی هستند؟

■ گفتار اول: مفهوم و دامنه حق بر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

۱ - در بررسی پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر که در سطح جهانی یا منطقه‌ای لازم‌الاجرا هستند تعریف خاصی از حق مزبور ارائه نشده چرا که اصولاً به طور صریح نه در پیمان‌نامه بین آمریکایی حقوق مدنی و سیاسی، نه در پیمان‌نامه بین آمریکایی حقوق بشر و نه در منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها و نه در پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر، حق بر وکیل یا مشاور حقوقی در مراحل قبل از محاکمه ذکر نشده است. در مجموعه مذاکرات مربوط به تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که به مقوله دادرسی عادلانه و تضمین‌های دفاع متهم مربوط می‌شود و ماده ۱۴ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خصوصاً پاراگراف‌های ب و ج که مربوط به حقوق دفاعی متهم و حق انتخاب وکیل می‌شود) نیز نکته صریح خاصی یافت نمی‌شود. و این نهادهای نظارتی و مراجع ذیصلاح تفسیرکننده اسناد یاد شده بوده‌اند که ابعاد این حق را از برخی مواد اسناد یاد شده استنتاج و به کشورها اعلام داشته‌اند مثلاً کمیته حقوق بشر به عنوان مرجع نظارتی و تفسیری پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته که حق بر دفاع به معنای دفاع موثر است. یا در اعلام نظری دیگر تاکید کرده که همه اشخاص بازداشتی باید دسترسی فوری (Immediate Access) به مشاور حقوقی داشته باشند تا از حقوق انسانی‌شان حمایت لازم به عمل آید۵ یا تاکید کرده که حمایت از فرد بازداشتی دسترسی منظم (Regular) و بی‌درنگ (Prompt) به پزشکان و وکلا را ایجاب می‌کند. کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر نیز بیان داشته که «حق بر دفاع فی‌نفسه مستلزم این است که فرد متهم اجازه داشته باشد از مساعدت حقوقی در همان ابتدای بازداشت بهره‌مند شود. فلذا هر نظام حقوقی که بازداشتی را از دسترسی مزبور در خلال بازداشت و تحقیقات مقدماتی منع کند به طور جدی (Seriously) به حقوق دفاعی متهم صدمه زده است.» همین نهاد در اظهار نظری دیگر تصریح کرده که «حق به مشاور حقوقی باید در اولین بازجویی اعمال شود و به منظور تضمین اینکه فرد مجبور به اقرار نشود و از شکنجه رهایی یابد متهم باید تحقیقات مقدماتی‌اش فقط در حضور وکیلش و یک قاضی انجام پذیرد.» و اما دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع قضایی فراملی نظارت بر اجرای پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر در آرای مختلف در این خصوص اعلام نظر کرده است. دیوان در یکی از آرایی که معمولاً در متون تحلیلی علمی به آن اشاره می‌شود اعلام داشته «حق بر دادرسی عادلانه طبیعتاً مستلزم این است که متهم اجازه دسترسی به مشاور حقوقی را در همان مراحل اولیه تحقیقات پلیس داشته باشد» فلذا در مورد متهمی که در خلال ۴۸ ساعت اولیه بازداشت از دسترسی مزبور محروم بوده نقض ماده ۶ پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر را احراز کرده است. همین مرجع در موردی دیگر تصریح کرده که دسترسی به وکیل «یک تضمین مبنایی در مقابل هر گونه سوءاستفاده احتمالی علیه متهم در خلال دوره بازداشت می‌باشد.» یا در اظهار نظری دیگر اعلام داشته «فقدان تضمین‌های اینچنینی در خلال بازداشت می‌تواند منجر به این شود که یک بازداشتی کاملاً از آنچه به اتهام آن بازداشت شده برائت بگیرد.» ۲- جدای از پیمان‌نامه‌های مبنایی حقوق بشر که در سطح جهانی و یا منطقه‌ای لازم‌الاجرا هستند و رویکرد مراجع نظارتی و تفسیری آنها که در تبیین مفهوم حق بر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی روشنگر بوده‌اند، جامعه جهانی در چارچوب ضوابط و اسناد مختلف دیگر نیز به این مهم پرداخته و سعی کرده است در جهت ارتقای رعایت حقوق بشر استانداردهای معینی را تدوین و مبنای عمل خود قرار دهد. اسنادی از قبیل قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان مصوب کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم (۱۹۵۵)، مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس مصوب مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۸۸)، اصول مبنایی مربوط به نقش وکلا مصوب هشتمین کنگره ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم (۱۹۹۰)، قواعد ملل متحد برای حمایت از اطفال بزهکار محروم از آزادی مصوب مجمع عمومی ملل متحد (۱۹۹۰)، آیین‌نامه اروپایی مربوط به زندان‌ها، اساسنامه‌های دیوان رسیدگی به جنایات در یوگسلاوی سابق، دیوان رسیدگی به جنایات در رواندا و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی و آیین‌نامه‌های مربوطه هر یک نکات صریح یا ضمنی را درخصوص حق بر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی منعکس کرده‌اند که امروزه در اکثر متون تحلیلی علمی خصوصاً در مجامع بین‌المللی بدان‌ها استناد می‌شود و مبتنی بر مفاد آنها ابعاد حق مزبور معرفی می‌شوند. سازمان عفو بین‌الملل با استناد به برخی از اسناد یاد شده حق مزبور را چنین معرفی می‌کند: «هر فرد بازداشتی (اعم از اینکه اتهام کیفری متوجه اوست یا به دلیل دیگری بازداشت شده) و هر فرد که با اتهام کیفری روبه‌رو است (اعم از اینکه بازداشت شده یا خیر) حق دارد بهره‌مند از مساعدت مشاور حقوقی شود.» اصل یکم از اصول مبنایی مربوط به نقش وکیل، حق بر بهره‌مندی از مساعدت مشاور حقوقی در «همه» مراحل رسیدگی‌های کیفری از جمله بازجویی‌ها را مورد تاکید قرار داده است، همچنین اصل هفدهم مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس، این قاعده را در مورد همه افراد بازداشتی مورد حمایت قرار داده است. صراحتاً در بند یک اصل هفدهم مجموعه اصول اعلام شده که «فرد بازداشتی می‌بایست توسط مراجع ذیصلاح از حق داشتن وکیل بی‌درنگ (Promptly) پس از دستگیری مطلع و تسهیلات منطقی برای وی جهت اعمال این حق فراهم شود.» اصل هفتم از اصول مبنایی مربوط به نقش وکلا اعلام داشته که «حکومت‌ها می‌بایست تضمین نمایند که همه اشخاص دستگیر یا بازداشت شده اعم از اینکه دارای اتهام کیفری باشند یا خیر، دسترسی بی‌درنگ (Prompt access) به یک وکیل خواهند داشت و در هر مورد نه دیرتر از ۴۸ ساعت از زمان دستگیری یا بازداشت بدین قاعده عمل خواهد شد.»

■ گفتار دوم: اقتضائات حق بر وکیل در تحقیقات مقدماتی

از مجموعه استانداردهای بین‌المللی و رویه‌های مراجع نظارتی مربوطه بایدها و نبایدهای مشخصی را می‌توان استنتاج کرد که یا به متهم در بهره‌مندی درست از حق مزبور برمی‌گردد یا به وکیل و مشاور حقوقی برای انجام درست وظیفه حرفه‌ای خود و وظایف و تکالیف معینی را متوجه مراجع ذیصلاح کشوری خصوصاً مراجع قضایی و انتظامی و زندان‌ها می‌سازد. برخی از مهمترین اقتضائات رعایت حق بر وکیل عبارتند از:

■ الف) حق بر انتخاب وکیل یا بهره‌مندی از وکیل دلخواه

پاراگراف‌های ب و ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که حق بر وکیل در دفاع متهم از خود را مطرح کرده صراحتاً قید «به انتخاب خودش» را اعلام داشته‌اند. همین حق در پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر و اسناد منطقه‌ای آمریکا و آفریقا نیز به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین اصل اول اصول مبنایی نقش وکلا قاعده ۹۳ آیین‌نامه اروپایی امور زندان‌ها، ماده ۵۵ بند ۲ و جزء C اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز این قاعده را مورد تاکید قرار داده‌اند. به موجب اصل پنجم اصول مبنایی نقش وکلا، حکومت‌ها باید تضمین کنند که مراجع ذیصلاح فوراً این حق انتخاب را به متهم دستگیر شده یا بازداشتی منعکس می‌نمایند.

■ ب - حق بر بهره‌مندی از وکیل مجانی و رایگان

اگر متهم دستگیر شده یا بازداشتی، مشاور حقوقی انتخابی نداشته باشد در همه مواردی که عدالت اقتضا می‌کند، مستحق آن است که برای وی مشاوری حقوقی تعیین شود و اگر خود متهم توانایی پرداخت حق الزحمه وکیل را نداشته باشد خدمات مزبور رایگان ارائه می‌شود. اصل سوم از اصول مبنایی نقش وکلا، حکومت‌ها را ملزم می‌کند که منابع مالی لازم و سایر منابع را برای ارائه خدمات مشاوره به مردم محروم و ناتوان فراهم آورند. در مورد اینکه قید اقتضای عدالت مذکور در استانداردهای بین‌المللی چه معنایی دارد عمدتاً گفته شده که اهمیت جرم و شدت مجازات بالقوه مربوطه و پیچیدگی موضوعات مطروحه در هر پرونده معیارهای اصلی هستند. دیوان اروپایی حقوق بشر در یک مورد اعلام نظر کرده که معیار اقتضای عدالت برای تعیین وکیل رایگان وقتی نمود می‌یابد که متخصصی لازم است تا دفاع مناسب انجام پذیرد.

■ ج - حق متهم بر تماس‌های خصوصی و محرمانه با وکیل و مشاور حقوقی

در قواعد مختلف بین‌المللی تاکید شده که تماس‌های میان متهم و وکیلش محرمانه است. به موجب اصول ۲۲ و ۸ از اصول مبنایی نقش وکلا، اصل مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس، قاعده ۹۳ آیین‌نامه اروپایی امور زندان‌ها، پاراگراف ۲ بند E و ۱ قطعنامه حق بر دادرسی عادلانه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، مقامات کشورها باید به محرمانه بودن تماس‌ها و مشاوره‌های میان وکلا و موکلین آنها احترام بگذارند. حق مزبور برای همه از جمله آنهایی که دستگیر یا بازداشت شده‌اند اعم از اینکه متهم کیفری هستند یا خیر، اعمال می‌شود. ازجمله ضرورت‌های رعایت حق مزبور به موجب اسناد بین‌المللی این است که هیچگونه استراق سمع یا سانسور تماس‌های شفاهی یا کتبی از جمله تماس‌های تلفنی میان متهم و وکیلش اعمال نگردد و مقامات تضمین نمایند که وکلا به موکلین خود براساس استانداردهای حرفه‌ای بتوانند مشورت و خدمات بدهند.

■ د - حق بهره‌مندی از مشاور حقوقی با تجربه ذیصلاح و پایبند به دفاع موثر

در اسناد و رویه‌های قضایی فراملی موارد متعددی می‌توان یافت که وقتی سخن از حق بر وکیل از جمله در تحقیقات مقدماتی مطرح می‌شود منظور مشاور حقوقی ذیصلاح و حائز شرایط حرفه‌ای و اخلاقی و پایبند به دفاع جدی از موکلش لازم است. به همین جهت در موازین بین‌المللی تاکید شده که کشورها باید تضمین کنند که مشاور حقوقی نمایندگی موثر برای موکلش داشته باشد. در میان استانداردهای بین‌المللی، به طور خاص اصول مبنایی نقش وکلا مواد مختلفی را در مورد وظایف و تکالیف وکلا و تضمین‌های لازم برای اینکه بتوانند کارکرد اصلی خود را ایفا نمایند مقرر داشته است. در رویه قضایی بین‌المللی آرا و نظرات تفسیری مختلفی یافت می‌شود که بر وکیل موثر و ذیصلاح و تعهد حکومت‌ها در این زمینه تاکید دارند مثلاً در دیوان اروپایی حقوق بشر موارد متعددی آرا علیه کشورهای عضو صادر شده که از این جهت کوتاهی داشته‌اند. در یک مورد موکل اعلام داشته که وکیل تسخیری به وظیفه دفاع خود به نحو موثر عمل نمی‌کند و دادگاه ملی ترتیب اثری نداده است که همین امر از دیدگاه دیوان اروپایی تخلف محسوب شده است. کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر در یک مورد اعلام کرده که چون وکیل به تعهدات خود در دفاع موثر از موکلش عمل نکرده حق بهره‌مندی از وکیل نقض شده است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در همین زمینه نسبت به وضع موجود در آمریکا در سال ۱۹۹۵ ابراز نگرانی کرد. در موردی دیگر کمیته حقوق بشر اعلام کرد «جایی که به متهم فقط انتخاب محدودی برای گزینش وکلا رسماً تعیین شده داده می‌شود و بدین ترتیب مشاور حقوقی برگزیده، گرایش یک بازپرس را دارد، حق متهم برای دفاع موثر نقض شده است.»

■ ه - ضرورت جلوگیری از هر گونه تعرض یا بی‌احترامی به وکیل

برای اینکه وکلا بتوانند نقش حرفه‌ای خود را در دفاع موثر از موکلشان ایفا نمایند موازین بین‌المللی ضرورت حمایت از آنها و مراقبت از اینکه تعرض یا بی‌احترامی به آنها صورت نگیرد را مورد تاکید قرار داده‌اند. استانداردهای بین‌المللی حکومت‌ها را موظف کرده‌اند که تضمین کنند وکلا بدون هر گونه تحقیر، اذیت و آزار، مداخله یا فشار می‌توانند وظایف حرفه‌ای خود را عملی سازند. برخی از قواعد مزبور در تبیین حق بر تماس‌های محرمانه وکیل و موکل مورد اشاره قرار گرفت. جدای از قواعد یاد شده برخی مستندات بین‌المللی دیگر نیز روشنگر هستند مثلاً در یک مورد در نیجریه وکیلی به دلیل فشارهای بیرونی مجبور شده بود حضور موثری در روند دفاع نداشته باشد ولی دادگاه به روند رسیدگی ادامه و حکم اعدام متهم را صادر کرده بود وقتی پرونده در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر مطرح شد نهاد مزبور مورد را از جمله مصادیق نقض ماده ۷ بند ۱ و جزء C منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها تشخیص داد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد استقلال قضات و وکلا نیز در برخی گزارشات خود اقداماتی که از ناحیه حکومت‌ها در جهت تعرض یا محدودیت بر وکلا انجام پذیرفته را منعکس کرده و آن را نقض موازین بین‌المللی دانسته است.

■ گفتار سوم: برخی استثنائات مطروحه در بهره‌مندی از وکیل یا مشاور حقوقی در تحقیقات مقدماتی

در موازین بین‌المللی مواردی را می‌توان مد نظر قرار داد که به نحوی موضوع بهره‌مندی از وکیل و رعایت اقتضائات یاد شده آن در تحقیقات مقدماتی، در یک مقطع زمانی خاص یا به طور کامل با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده صرف‌نظر از اینکه از حیث حقوقی برخی از قیود یا استثنائات وارده بر تحرک وکیل در تحقیقات مقدماتی، بحث‌های فنی زیادی را لازم دارد تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، موارد برجسته برگرفته از استانداردهای بین‌المللی به شرح زیر قابل ذکرند: ۱- به موجب اکثر موازین بین‌المللی از جمله بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قسمت‌های ب و د بند ۳ ماده ۱۴ پیمان‌نامه بین آمریکایی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت C بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، قسمت d بند ۲ ماده ۸ پیمان‌نامه بین آمریکایی حقوق بشر، قسمت C بند ۳ ماده ۶ پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر، قسمت d بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان رسیدگی به جنایات در یوگسلاوی سابق، قسمت d بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان رواندا و قسمت d بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هر متهم حق دارد به‌رغم توانایی مالی انتخاب وکیل خود شخصاً از اتهاماتش دفاع کند. بدیهی است در وجه مزبور وکیل در تحقیقات مقدماتی حضور ندارد. ۲- وجه دیگری که به موجب موازین بین‌المللی عدم حضور وکیل متصور است، مواردی است که متهم وکیلی انتخاب نکرده ولی به تشخیص مراجع ذیصلاح قانونی اتهام انتسابی از اهمیت برجسته و مجازات بالقوه شدیدی برخوردار نیست که عدالت اقتضا کند برای وی وکیل تسخیری معرفی شود. ۳- مورد دیگری که در استانداردهای بین‌المللی عدم حضور وکیل را برای دوره‌ای کوتاه مطرح کرده است اصل پانزدهم مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس است که اعلام داشته «... تماس فرد بازداشتی یا محبوس با جهان خارج و به خصوص با خانواده و مشاور حقوقی‌اش نباید بیش از چند روز منع شود.» ۴- در اصل ۱۶ مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت که مربوط به ضرورت اطلاع موضوع بازداشت فرد متهم به خانواده و اشخاص مناسب مرتبط با بازداشتی و مکان بازداشت است در بند ۴ آن اعلام شده «مقامات ذیصلاح می‌توانند به هر صورت برای یک مدت معقول (Reasonable Period) جایی که نیازهای استثنایی تحقیقات ایجاب می‌کند در اطلاع مزبور تاخیر داشته باشند.» شاید در برداشت اولیه گفته شود که وکیل متهم از استثنای یاد شده خارج است ولی با رجوع به صدر اصل پانزدهم مجموعه اصول یاد شده که این استثنا و موردی دیگر را به بحث ارتباط فرد بازداشتی با جهان خارج از جمله خانواده یا وکیلش ارتباط داده به نظر برداشت مزبور درست نمی‌آید و نشان می‌دهد که سند یاد شده چه منفذ بزرگی را بازگذاشته که اگر تلاش‌های نهادهای نظارتی بین‌المللی و فعالین حقوق بشر نبود و نباشد چه بسا مورد سوءتفسیر و کاربرد قرار گیرد. ۵- در همان مجموعه اصول حمایت از همه اشخاص تحت هر شکل بازداشت یا حبس، ضمن بندهای ۳ و ۵ اصل ۱۸ نیز دو مورد محدودیت دیگر را مجاز شمرده که قابل تامل است. در صدر بند ۳ اصل ۱۸ حق هر بازداشتی برای تماس و ملاقات و مشورت کردن بدون تاخیر یا سانسور و به صورت محرمانه با وکیلش به رسمیت شناخته شده و تاکید شده که این حق را نمی‌توان معلق یا محدود کرد ولی در ادامه می‌افزاید: «مگر در اوضاع و احوال استثنایی که برابر قانون (Law) یا ضوابط قانونی (Lawful regulations) مشخص شده باشد و در زمانی که توسط مرجع قضایی یا دیگر مقامات برای حفظ امنیت و نظم شایسته (Good Order) ضروری تلقی شود.» جدای از مورد مذکور، در بند ۵ اصل یاد شده که در جهت حفاظت از محرمانه بودن مشورت‌های بین وکیل و موکلش سخن از غیرقابل قبول بودن مشورت‌ها و تماس‌های مزبور به عنوان دلیل علیه متهم بازداشتی مطرح شده در انتها قیدی با این عبارت بر آن وارد شده: «مگر اینکه آنها (وکیل و موکل) مرتبط با یک جرم مستمر یا وقوع جرم باشند.» بدیهی است هر یک از عبارات یاد شده قابلیت تعبیر و تفسیرهای خلاف اصول انسانی را داراست که طبیعتاً لازم است در تفسیر آنها به ظرایف حقوقی مربوطه توجه جدی شود چنانچه مراجع نظارتی بین‌المللی و نهادهای قضایی فراملی این دقت‌ها را همواره به کار گرفته‌اند. به عنوان مثال کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه که مرجع نظارتی پیمان‌نامه اروپایی‌ها در زمینه منع شکنجه است اعلام داشته «اگر از دسترسی به یک وکیل خاص بر مبنای امنیتی جلوگیری شود این مرجع توصیه می‌کند که دسترسی به وکیل مستقل دیگری که اعتماد وجود دارد اهل سازش بر سر منافع تحقیقات کیفری مربوط به فرد متهم نیست فراهم شود.» در موردی دیگر گزارشگر ویژه منع شکنجه سازمان ملل اعلام کرده «در اوضاع و احوال استثنایی که دسترسی فوری به وکیل بازداشتی ممکن است نگرانی‌های امنیتی جدی را موجب شود و در جایی که یک چنین مسئله‌ای مورد تایید مرجع قضایی قرار گرفته، حداقل باید اجازه داده شود متهم جلسه‌ای با یک وکیل مستقل دیگر همانند آنچه از سوی کانون وکلا توصیه می‌شود، داشته باشد.» ۶- در سند اصول مبنایی نقش وکلا نیز ضمن اصل هفتم، قید ۴۸ ساعتی را به رسمیت شناخته که حکومت‌ها می‌توانند از زمان دستگیری یا بازداشت فرد متهم اقدامی جهت دسترسی متهم به وکیل نکرده باشند و به موجب این اصل اقدام آن توجیه شود. ۷- به عنوان آخرین قید یا استثنای وارده بر حق بهره‌مندی از وکیل در تحقیقات مقدماتی لازم است به این مهم توجه داده شود که در موازین بین‌المللی حقوق بشر از جمله در پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شرایط اضطراری (states of emergency) به عنوان یکی از مهمترین وضعیت‌هایی تلقی شده که دولت‌ها می‌توانند اجرای بسیاری از تعهدات خود به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر را معلق نمایند. این اختیار در پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر و پیمان‌نامه بین آمریکایی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. اینکه مفهوم شرایط اضطراری چیست و در شرایط مزبور کدام حق‌ها را می‌شود معلق کرد و کدام حق‌ها قابل تعلیق نیستند و رویه نهادهای نظارتی جهانی و نهادهای قضایی فراملی در این زمینه چیست بحث مفصلی است که از این مجال خارج است اما به طور مختصر به نظر می‌رسد بعید است بتوان حق بر بهره‌مندی از وکیل را در شرایط مزبور جزء حقوق غیرقابل تعلیق تلقی کرد.

■ گفتار چهارم: آثار عدم رعایت حق بر وکیل یا مشاور حقوقی در تحقیقات مقدماتی

در میان اسناد مختلف بین‌المللی، در وجه عدم رعایت حق مورد بحث به آثار متعددی اشاره شده که تامل در آنها ضروری است. اشاراتی از قبیل اینکه هر نظام حقوقی که متهم بازداشتی را از دسترسی در خلال بازداشت و تحقیقات مقدماتی منع کند به طور جدی به حقوق دفاعی متهم صدمه زده است. یا نقض تصمیم‌گیری متهم در مورد حق بر سکوت است یا عدم دسترسی فوری و منظم متهم بازداشتی به وکیل، تضمین مهم عدم اعمال شکنجه و سوءرفتار با متهم و اخذ اقرارهای اجباری و سایر سوءرفتارها را منتفی می‌سازد و عبارات مشابه دیگر هر یک درس‌ها و دغدغه‌هایی را فراروی جوامع مختلف قرار می‌دهند که در جهت تامین دادرسی عادلانه بدان توجه نمایند. نکته دیگری که در حیطه آثار عدم رعایت حق مزبور اشاره به آن ضروری است اینکه امروزه در موازین بین‌المللی ضرورت جبران و غرامت‌دهی در مقابل نقض حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق قطعی، قواعد مدون مشخصی دارد که قربانیان نقض حقوق بشر می‌توانند بدان استناد نمایند به علاوه در بعد ناقضین حقوق بشر، امروزه شناسایی مسئولیت کیفری آنها و ساز و کارهای رسیدگی فراملی به تخلفاتشان به طور جدی در حال رشد است که بدیهی است نباید از آن غافل شد خصوصاً اگر به طور سیستماتیک و فراگیر در سطوح ملی حق یا حقوق خاصی نقض شود و نکته آخر اینکه امروزه در محدوده عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر اثر عدم رعایت حق مورد بحث و احراز تخلف یک دولت از ماده ۶ پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر جدای از تاثیرگذاری جدی بر آرای صادره در سطوح ملی موجب تشخیص تعیین میزان مسئولیت حقوقی دولت متخلف برای جبران خسارت وارده به قربانی نقض حقوق بشر می‌شود که این روند کنترلی اصلاحی نیز شایسته تامل و بهره‌برداری جدی است.

■ گفتار پنجم: برخی از تحولات جدید در اسناد و رویه‌های بین‌المللی

در صحنه جهانی طی سال‌های اخیر تحولات زیادی جریان پیدا کرده که در موارد متعددی مقوله حق بر وکالت در مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌توان یافت. برای توجه دادن به برخی از تحولات مزبور که شایسته تامل جدی هستند به شرح زیر مواردی ذکر می‌شود: ۱- دیوان اروپایی حقوق بشر طی سال ۲۰۰۵ در قبال موارد متعددی نظریات فنی مهمی را مطرح کرد که هر یک نیازمند بررسی جداگانه هستند ولی در یک توصیف کلی قابل ذکر است که برابر بررسی انجام شده، دیوان در خلال ۱۱۰۵ پرونده‌ای که در سال ۲۰۰۵ رسیدگی و رای صادر کرد در هشت مورد درخصوص دسترسی متهم به وکیل و اقدامات دولت‌ها در این ارتباط بررسی و به جز یک مورد که به صورت دوستانه بین طرفین دعوا حل و فصل شد در بقیه موارد رای صادر کرد. که در آرای مزبور ۵ مورد تخلف و نقض حق متهم را علیه کشورهای انگلیس، فرانسه، ترکیه احراز کرد و در دو مورد دیگر رای به عدم نقض قواعد مربوط در پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر صادر کرد. یکی از پرونده‌هایی که برای درک بهتر رویه قضایی اروپایی مربوط به بحث این نوشتار شایسته تعمق است قضیه اوجالان علیه دولت ترکیه است که در سال ۲۰۰۵ رای نهایی آن صادر شد و به دلیل عدم رعایت موازین مختلف از جمله حقوق متهم در دسترسی به وکیل و ممانعت از ایفای نقش موثر وکیل در تحقیقات پرونده، دولت ترکیه متخلف شناخته شد و رای صادره محاکم ملی ترکیه نقض شد. آنچه در رویه‌های قضایی مختلف می‌توان مشاهده کرد این است که دسترسی وکیل به متهم از همان مراحل اولیه دستگیری و دسترسی وکیل به پرونده تحقیقات مقدماتی و ایفای نقش موثر از دیدگاه دیوان اروپایی امری کاملاً پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌شود که حتی در موارد اتهامات تروریستی و یا امنیتی نیز دست حکومت